

حقوق مصرف^۱

قسمت دوم: مصرف کننده

مترجم: مجید ادیب

کلیات؛ واژه‌های «مصرف و مصرف کننده» که برگرفته از علم اقتصاد است، امروزه در زبان حقوقی [نیز] جای گرفته‌اند. در قانون فرانسه، هیچ تعریفی از این دو مفهوم وجود ندارد. اما رویه‌ی قضایی و نویسندگان حقوقی، آن را تعریف کرده است. نه در رویه‌ی قضایی و نه در میان نویسندگان حقوقی، اتفاق نظر وجود ندارد، به طوری که هنوز مفهوم مصرف کننده، مبهم است. از نظر اقتصاددانان، مصرف، آخرین مرحله‌ی روند اقتصادی است. این مرحله با تولید و توزیع، تفاوت دارد. در این دو مرحله که پیش از مصرف است، ثروت، دریافت می‌شود، بعد تغییر شکل پیدا می‌کند و سپس توزیع می‌شود. حقوق دانان، این تعریف را اقتباس کرده و با رشته‌ی خود، تطبیق دادند. در این جاست که مشکلات، آغاز می‌شود. برای توضیح این تعریف، باید نخست، یک هسته‌ی سخت را که مصرف کننده است، به معنای دقیق آن، تعریف کرد. پس از تعریف این هسته، می‌توان بررسی کرد که آیا دامنه‌ی آن، قابل توسعه هست یا نه؟

۱. متن حاضر ترجمه‌ای است از زبان فرانسه از کتاب زیر؛

Calais - Auloy (Jean), Steinmetz (Frank), Droit de la Consommation, 7^e éd. Dalloz, 2006.

الف - مفهوم مصرف‌کننده به معنای دقیق

پیشنهاد تعریف؛ مصرف‌کننده، شخص حقیقی است که برای خود، مال یا خدمتی را به منظور کاربرد غیرحرفه‌ای تهیه یا استفاده می‌کند.

در این تعریف، سه عنصر وجود دارد.

نخستین عنصر تعریف: اشخاصی که برای خود تهیه یا استفاده می‌کنند. این

نکته‌ی آغازین، نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان، دو دسته‌اند:

- نخست کسانی که اموال یا خدمات را به منظور غیرحرفه‌ای برای خود تهیه می‌کنند. این اموال یا خدمات را، شخصی که معمولاً پیشه‌ور است، فراهم می‌کند. قرارداد میان مصرف‌کننده و پیشه‌ور، قرارداد مصرف‌ناامیده می‌شود. این قرارداد، انواعی دارد مانند فروش، اجاره‌ی شیء، پیمان کاری، وام و بیمه. قواعد حمایت‌کننده، هم بر قرارداد، به معنای دقیق آن، و هم بر مقدمات قرارداد، اعمال می‌شود.

- مصرف‌کنندگان دیگری نیز هستند؛ کسانی که از اموال یا خدمات، استفاده می‌کنند. معمولاً مصرف‌کننده‌ای که [اموال و خدمات را] برای خود تهیه می‌کند، همان کسی است که استفاده می‌کند. اما همیشه این‌طور نیست. ممکن است چیزی را که شخصی خریده است، اعضای خانواده‌اش استفاده کنند که نسبت به قرارداد فروش، شخص ثالث هستند. این اشخاص ثالث استفاده‌کننده نیز مصرف‌کننده‌اند؛ هرچند که آن‌ها در حقوق مصرف‌کننده هنوز، مبتنی بر مفهوم قرارداد است، تا حدودی در حاشیه هستند.

دومین عنصر تعریف: اموال یا خدمات. ذکر دو کلمه‌ی اموال یا خدمات، نشان

می‌دهد که مفهوم مصرف‌کننده، دامنه‌ی گسترده‌ای دارد و در موارد متنوعی اعمال می‌شود:

- همه‌ی اموالی که برای هدف غیرحرفه‌ای خریداری شده یا استفاده می‌شوند، ممکن است موضوع مصرف باشد. نباید مصرف را فقط شامل چیزهای مصرفی دانست. منظور از چیزهای مصرفی، اموالی است که با اولین استفاده، از بین می‌رود مانند موادغذایی. علاوه بر این اموال، اموال منقول پایدار مانند خودرو و لوازم خانگی و اموال غیرمنقول مانند مسکن هم ممکن است موضوع مصرف باشد. برخی اموال غیرمادی نیز ممکن است موضوع مصرف قرار بگیرد مانند آثار فکری.

- مصرف، شامل خدمات هم می‌شود. مفهوم خدمت، در قانون مدنی فرانسه ذکر نشده

است اما در حقوق اقتصادی، بسیار متداول است. خدمت، هرگونه کاری است که قابل ارزیابی با پول است. برخی خدمات، یا مادی است مانند تعمیر و نظافت، یا مالی است مانند بیمه و اعتبار، یا ذهنی است مانند مراقبت پزشکی و مشاوره‌ی حقوقی. همه‌ی اینها موضوع مصرف است.

سومین عنصر تعریف: هدف غیرحرفه‌ای. معیار اصلی همین است چون، مصرف‌کننده، کسی است که [اموال یا خدمات را] با هدف غیرحرفه‌ای برای خود تهیه یا استفاده می‌کند. به این ترتیب، مصرف‌کننده، در نقطه‌ی مقابل پیشه‌ور قرار می‌گیرد. هدف مصرف‌کننده، برخلاف پیشه‌ور، استفاده‌ی شخصی یا خانوادگی است مانند خرید موادغذایی، مراجعه به پزشک، خرید لوازم‌خانگی یا خودرو، انعقاد قرارداد بیمه، مسافرت، اجاره‌ی مسکن، ساخت خانه، وام گرفتن برای تأمین این هزینه‌ها. این‌ها نمونه‌هایی از اعمال مصرفی است. نمونه‌های بسیار دیگر نیز وجود دارد. مصرف‌کننده، به علت این هدف شخصی یا خانوادگی، لزوماً شخص حقیقی است؛ حداقل در نگرش مضیق، این طور است.

ملاحظه می‌کنیم که پیشه‌ور و مصرف‌کننده، دو طبقه‌ی متمایز از شهروندان نیستند. جان اف کندی، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در سال ۱۹۶۲ گفته بود که: «همه‌ی ما مصرف‌کننده هستیم». هر شخص حقیقی، همیشه و هر روز، مصرف‌کننده می‌شود هرچند که فعالیت حرفه‌ای هم داشته باشد. مثلاً وقتی که بازرگان، موادغذایی‌اش را می‌خرد، مصرف‌کننده است. این دوگانگی، به هیچ‌وجه، بی‌فایده نیست. چون یک شخص، طبق عملی که انجام می‌دهد، گاهی در موضع قدرت و گاهی در موضع ضعف قرار می‌گیرد.

ممکن است این که معیار مصرف‌کنندگی، هدف عمل باشد یک مشکل ایجاد کند و آن این است که هدف عمل (کاربرد شخصی یا خانوادگی)، همیشه آشکار نیست. اگر پیشه‌ور به‌هنگام انعقاد قرارداد، نداند که طرف دیگر، مصرف‌کننده است، باز هم مشمول قواعد حقوق مصرف خواهد بود؟ هنوز در چنین موردی، راه‌حلی در رویه‌ی قضایی مطرح نشده است. برای آن که قواعد حمایت‌گر، مؤثر باشد نباید به پیشه‌ور اجازه داد که به راحتی بتواند ادعای بی‌اطلاعی کند. حداکثر، اگر مصرف‌کننده، خود را پیشه‌ور، جا زده و در نتیجه، پیشه‌ور را فریب داده باشد، می‌توان اعمال قواعد حمایت‌گر را مردود دانست.

- آیا باید از همه‌ی مصرف‌کنندگان، به‌طور یکسان حمایت کرد؟ مصرف‌کنندگان، بسیار گوناگون‌اند. برخی از آنان آگاه‌اند و به‌خوبی می‌توانند از خود دفاع کنند ولی بعضی بسیار ساده‌لوح و آسیب‌پذیرند. آیا این گوناگونی، حمایت مختلفی را ایجاب می‌کند؟ اصولاً پاسخ منفی است. حقوق مصرف‌به‌طور یکسان از همه‌ی مصرف‌کنندگان حمایت می‌کند و فرض ضعف مصرف‌کننده‌ها، قابل نفی نیست. لحاظ کردن توانایی‌های خاص هر مصرف‌کننده، دعوای بی‌پایانی را به‌وجود می‌آورد و موجب ناکارآمدی حقوق مصرف می‌شود. اما این اصل، استثنائاتی هم دارد.

- با پیش‌بینی جرم سوءاستفاده از ضعف (در مواد ۸ - ۱۲۲ به بعد قانون مصرف)، از مصرف‌کنندگانی که دچار حالتی از ضعف شدید یا بی‌اطلاعی شدید هستند، بیشتر حمایت می‌شود.

- رویه‌ی قضایی، درخصوص تبلیغات فریبکارانه (منکور در ماده‌ی ۱ - ۱۲۱ قانون مصرف) مصرف‌کننده‌ی متوسط را ملاک قرار می‌دهد. در نتیجه، از مصرف‌کنندگان بسیار ساده‌لوح و زودباور که سطح هوشی کمتر از متوسط دارند، حمایت نمی‌شود. دستورالعمل ۱۱ مه ۲۰۰۵ اتحادیه‌ی اروپا که هنوز در فرانسه تصویب نشده است تا حدودی این بی‌عدالتی را اصلاح می‌کند. به این صورت که با شرایطی، از مصرف‌کنندگان بسیار آسیب‌پذیر، حمایت می‌کند. - امتیاز برخورداری از دادرسی بدهی سنگین، فقط شامل بدهکاری می‌شود که حسن‌نیت داشته باشد (ماده‌ی ۱ - ۳۳۰ قانون مصرف). مصرف‌کنندگانی که آگاهانه موجب بدهی سنگین یا سنگین‌تر شدن بدهی می‌شوند، مشمول این قاعده نخواهند بود. زیرا شایستگی حمایت ندارند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، استثنائات کم است و اصل مستحکم این است که؛ جز در موارد استثنائی، مصرف‌کنندگان، از لحاظ توانایی‌ها یا شایستگی‌ها طبقه‌بندی نمی‌شوند. **مواردی که میان پیشه‌ور و مصرف‌کننده، تفکیک نمی‌شود.** ممکن است شخصی وضعیت دوگانه داشته باشد؛ هم پیشه‌ور به‌نظر آید و هم مصرف‌کننده. اما باید یک وصف را انتخاب کرد. اگر شخص، مصرف‌کننده باشد از قواعد ویژه‌ی مصرف‌کنندگان برخوردار خواهد شد. اما اگر پیشه‌ور باشد از آن قواعد بهره‌مند نخواهد شد. در سه‌مورد، مشکل ایجاد می‌شود:

- نخست در موردی که شخصی، عملی را که برای حرفه‌ی آینده‌اش ضروری است، انجام می‌دهد. از نظر دیوان عالی کشور [فرانسه] وجود هدف حرفه‌ای، برای اعمال حقوق مصرف کافی است. هرچند که عامل، هنوز مشغول انجام حرفه‌اش نشده باشد.

- مشکل دوم، موردی است که شخص، مال یا خدمتی را برای خود تهیه می‌کند که کاربرد دوگانه دارد، هم حرفه‌ای و هم غیرحرفه‌ای. مثلاً مشاور املاک، خودرویی می‌خرد، هم برای رفت‌وآمد شغلی‌اش و هم برای جابه‌جایی خانواده‌اش. بدون تردید، در این مورد، قاعده این است که؛ هدف اصلی مهم‌تر از هدف فرعی است. می‌توان تصور کرد که اعمال این قاعده، چه مشکلاتی دارد. آرائی که در این زمینه در مراجع قضایی صادر شده است، بسیار کم است. یکی از نویسندگان، برای جلوگیری از ابهام، پیشنهاد داده است که کسی که حتی به‌طور جزئی برای نیازهای حرفه‌ای‌اش عملی انجام می‌دهد، مصرف‌کننده محسوب نشود.^۱

- سومین مشکل این است که شخصی مال یا خدمت را برای نیازهای شغلی‌اش تهیه می‌کند اما از تخصص حرفه‌ای‌اش خارج است. در این زمینه، آرای بسیار و متفاوتی صادر شده است. ما در این‌جا، توسعه‌هایی که ممکن است در مفهوم مصرف‌کننده، ایجاد شود، بررسی می‌کنیم.

توسعه‌ی مفهوم مصرف‌کننده

طرح موضوع؛ اشخاصی که مشمول تعریف مذکور هستند، مصرف‌کننده‌اند. تقریباً همه در این زمینه اتفاق نظر دارند. اما در این زمینه که آیا می‌توان، اشخاص دیگری را نیز مصرف‌کننده دانست، در میان نویسندگان حقوقی و در رویه‌ی قضایی، اختلاف نظر هست. فایده‌ی بحث این است که آیا این اشخاص می‌توانند از قواعد حمایت‌گر حقوق مصرف، بهره‌مند شوند یا نه.

ملاحظه خواهیم کرد که ماهیت مسأله، از لحاظ نظری از موضوع واژگانی که در این زمینه به کار می‌رود، جدا است. می‌توان دامنه‌ی مقررات حمایت‌گر از مصرف‌کنندگان را

1. PAISANT, "Essai sur la notion de consommateur en droit positif" JCP, éd. G.1993.I. 3655.

به گونه‌ای افزایش داد که اشخاصی را دربربگیرد که مصرف‌کننده خوانده نمی‌شوند اما در حکم مصرف‌کننده هستند. با وجود این، ماهیت مسأله، به کمک واژگان، مطرح می‌شود. پیش‌تر اشاره شد که ممکن است برخی خدمات عمومی، به همان معنایی که در حقوق مصرف‌کاربر دارد، پیشه‌ور محسوب شود. در نتیجه، کاربران غیرپیشه‌ور این خدمات عمومی، مصرف‌کننده هستند. این کاربران، خدمتی را برای خود یا خانواده‌ی خود تهیه می‌کنند. در این مورد، واقعاً مفهوم مصرف‌کننده، توسعه داده نشده است.

اما موارد دیگری هست که مفهوم مصرف‌کننده، به‌طور واقعی گسترش داده شده و طبقات مختلفی از اشخاص را دربرگرفته است مانند؛ پیشه‌ورانی که خارج از تخصص خود عمل می‌کنند، پس‌اندازکنندگانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، فروشندگان یا خدمت‌رسانان غیرپیشه‌ور و اشخاص حقوقی. هر یک از این طبقات را به‌ترتیب بررسی می‌کنیم.

پیشه‌ورانی که خارج از تخصص خود، عمل می‌کنند؛ نمونه‌ی آن، کشاورزی است که محصولات خود را بیمه می‌کند، فروشنده‌ای که سامانه‌ی هشداردهنده در فروشگاه خود نصب می‌کند و وکیلی که برای دفتر خود، رایانه می‌خرد. هدف این اعمال، حرفه‌ای است و بنابراین، اشخاصی که آن را انجام می‌دهند، مصرف‌کننده، به معنای دقیق، محسوب نمی‌شوند. اما کشاورز، فروشنده و وکیل در این مثال‌ها، خارج از تخصص خود عمل کرده‌اند. آن‌ها در این زمینه‌ها تخصص ندارند. بنابراین ممکن است در برابر طرف قراردادشان که پیشه‌ور است مانند مصرف‌کننده، در موقعیت ضعف قرار بگیرند. آیا نباید آن‌ها را مصرف‌کننده به‌شمار آورد؟

در گذشته در رویه‌ی قضایی [فرانسه]، اختلاف بود. برخی آرای دیوان عالی کشور، اشخاصی را که هرچند هدف عمل‌شان، حرفه‌ای است اما «خارج از صلاحیت حرفه‌ای» آن‌ها است مشمول مزایای حقوق مصرف‌دانسته است مانند آرای شعبه‌ی اول مدنی دیوان عالی کشور، ۱۵ آوریل ۱۹۸۲، ۲۸ آوریل ۱۹۸۷، ۳ مه ۱۹۸۸ و ۲۵ مه ۱۹۹۲. اما آرای دیگری از دیوان عالی کشور، این‌گونه اشخاص را مشمول قواعد حمایت‌گر ندانسته است و بنابراین، مفهوم مضیق مصرف‌کننده را ملاک قرار داده است مانند رأی شعبه‌ی اول مدنی، ۱۵ آوریل ۱۹۸۶، رأی شعبه‌ی بازرگانی، ۱۰ مه ۱۹۸۹، رأی شعبه‌ی کیفری، ۲۷ ژوئن

۱۹۸۹ و شعبه‌ی اول مدنی، ۲۱ فوریه‌ی ۱۹۹۵.

از سال ۱۹۹۵ دیوان کشور، عبارت جدیدی را به کار می‌برد و آن این است که؛ کسی که قراردادی منعقد می‌کند که با فعالیت حرفه‌ای‌اش «ارتباط مستقیم» دارد، مصرف‌کننده نیست و بنابراین از مزایای قواعد حمایت‌گر برخوردار نمی‌شود مانند آرای شعبه‌ی اول مدنی، ۲۴ ژانویه‌ی ۱۹۹۵، ۳ و ۳۰ ژانویه‌ی ۱۹۹۶ و ۱۷ ژوئیه‌ی ۱۹۹۶. طبق رأی همین شعبه در ۸ ژوئیه ۲۰۰۳، کشیشی که برای حرفه‌اش، دستگاه فتوکپی می‌خرد، مصرف‌کننده محسوب می‌شود. قانون‌گذار، همین شیوه را درباره‌ی عرضه‌ی خانگی کالا به کار برده است (قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹ که به‌عنوان ماده‌ی ۲۲ - ۱۲۱ قانون مصرف درج شده است). دیوان عالی کشور، این شیوه را در قواعد شروط تحمیلی و قواعد اعتبار به کار برده است. معنای این شیوه - به‌طور برعکس - این است که؛ در صورتی، قواعد حمایت‌گر به اجرا درمی‌آید که ارتباط قرارداد با حرفه، غیرمستقیم باشد.

دیوان عالی کشور برای تعیین مستقیم یا غیرمستقیم بودن ارتباط، ارزیابی قضات بدوی را ملاک می‌داند (رأی شعبه‌ی اول مدنی، ۱۷ ژوئیه‌ی ۱۹۹۶).

در بیشتر موارد، ارتباط، مستقیم تشخیص داده شده است. این رویه، به برداشت مضیق از مفهوم مصرف‌کننده نزدیک‌تر است تا برداشت موسع و پردامنه.

در میان نویسندگان حقوقی، اختلاف‌نظر وجود دارد. به‌نظر برخی از آن‌ها باید مفهوم مصرف‌کننده را گسترش داد و پیشه‌وری را که خارج از تخصص حرفه‌ای‌اش عمل می‌کند مصرف‌کننده به حساب آورد. به‌نظر بعضی دیگر که برداشت مضیق و محدود درباره‌ی مصرف‌کننده دارند؛ کسی که برای هدف حرفه‌ای عمل می‌کند، هرگز نباید مصرف‌کننده محسوب شود.

از نظر ما، این نگرش درست‌تر است زیرا:

- معلوم نیست که پیشه‌وری که خارج از صلاحیت‌اش عمل می‌کند همانند مصرف‌کننده‌ی ساده، بی‌دفاع باشد. البته این برحسب مورد، تفاوت می‌کند اما به‌طور کلی کسی که نیازهای حرفه‌اش را تأمین می‌کند از کسی که برای نیازهای شخصی‌اش عملی انجام می‌دهد، دقت بیشتری دارد.

- [دیدگاه] موسّع و پردامنه، مرزهای حقوق مصرف را نامعلوم می‌کند. برای دانستن این که پیشه‌ور در محدوده‌ی صلاحیت‌اش عملی انجام داده است یا نه و برای دانستن این که آیا عمل‌اش با فعالیت حرفه‌ای‌اش ارتباط مستقیم دارد یا غیرمستقیم؛ باید مورد به مورد بررسی کرد و همیشه نتیجه هم نامطمئن است. این در حالی است که طرف‌های قرارداد، باید از پیش بدانند که چه حقوقی بر رابطه‌شان قابل اعمال است. نگرش مضیق از مصرف‌کننده که نسبتاً واضح است، امنیت حقوقی را بهتر از نگرش موسّع که بسیار مبهم است، تأمین می‌کند.

- اگر پیشه‌ورانی که خارج از تخصص‌شان عملی انجام می‌دهند مصرف‌کننده محسوب شوند باید به همین ترتیب، مصرف‌کنندگانی را که در زمینه‌ی تخصص‌شان عمل می‌کنند نیز در حکم پیشه‌ور محسوب کرد. به عنوان مثال، ممکن است وکیل دادگستری بدون کمک قانون بتواند از حیل‌های حقوقی در قراردادهایی که برای هدف غیرحرفه‌ای منعقد می‌کند، در امان بماند. ممکن بود به جای پیشه‌ور - مصرف‌کننده، که معیار اعمال قواعد حمایت‌گر است، متخصص - غیرمتخصص قرار بگیرد. شاید این معیار از لحاظ نظری مطلوب باشد اما دیگر واضح نیست. به همین دلیل، نمی‌توان به طور جدی آن را لحاظ کرد. قاعده‌ی حقوقی غالباً حاصل سازش ضرورت‌های انصاف و ضرورت‌های وضوح است. به همین علت، سن قانونی، هجده سال است بدون این که قابلیت‌های فردی ملاک قرار بگیرد. بنابراین، امیدواریم رویه‌ی قضایی، اصطلاح «ارتباط مستقیم» را ملاک قرار ندهد بلکه تعریف مضیق از مصرف‌کننده را مبنا قرار دهد؛ یعنی شخصی که برای تأمین نیازهای حرفه‌اش کاری انجام می‌دهد، هرگز نباید مصرف‌کننده محسوب شود.

در کنار این نگرش مضیق باید سه نکته را در نظر داشت:

- برخی قواعد حقوق مصرف، منحصر به مصرف‌کنندگان نیست و اشخاص دیگر هم می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. نمونه‌ی بارز آن، قواعدی است که در زمانی وضع شد که هنوز مفهوم مصرف‌کننده، وجود نداشت. شاید این قواعد که دامنه‌ی گسترده‌ای دارد، در آینده به ندرت [وضع] شود.

- گاهی قانون‌گذار، برخی قواعد را که در ابتدا منحصر به مصرف‌کنندگان بود، به

قاعده‌ی عمومی تبدیل می‌کند.

- ممکن است برای حمایت از پیشه‌وران در موقعیت ضعف، قواعد ویژه ای وضع شود که این قواعد، از حقوق مصرف نباشد.

پس اندازکنندگانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ اقتصاددانان، مصرف‌کنندگان و پس اندازکنندگان را کاملاً از یکدیگر تفکیک می‌کنند. دسته‌ی اول، موجودی مالی خود را برای تأمین بی‌واسطه‌ی نیازهایشان استفاده می‌کنند و دسته‌ی دوم، موجودی مالی خود را حفظ و احیاناً آن را سرمایه‌گذاری می‌کنند تا نیازهای آینده‌ی خود را تأمین کنند. وقتی که شخصی مبلغی پول دارد می‌تواند یکی از این دو کار را انجام دهد. می‌تواند آن مبلغ را مصرف کند مثلاً خودروبی بخرد یا آن را پس انداز کند مانند این که سهامی در بورس خریداری کند. پس انداز، تا حدودی نقطه‌ی مقابل مصرف است. [اما] در نگاه اول، به نظر می‌رسد که پس انداز، کاملاً خارج از قلمرو حقوق مصرف قرار می‌گیرد.

با وجود این، موضوع به این سادگی نیست. زیرا مصرف‌کنندگان و پس اندازکنندگان، یک ویژگی مشترک دارند. چون هر دو، پیشه‌ور نیستند و با پیشه‌وران معامله می‌کنند. بنابراین، حمایت از پس اندازکنندگان، موجب وضع قواعدی می‌شود که گاهی شبیه قواعد حقوق مصرف است. حتی قواعدی هست که از همه‌ی کسانی که پیشه‌ور نیستند، حمایت می‌کند چه مصرف‌کننده و چه پس اندازکننده.

به‌رغم این تشابهات، نباید دسته‌ی دوم را در حکم مصرف‌کننده قرار داد. چون بعضی از قواعد، ویژه‌ی دسته‌ی اول است، به طوری که ممکن نیست شامل دسته‌ی دوم باشد. به همین ترتیب، قواعد دیگری نیز هست که ویژه مصرف‌کننده است و شامل پس اندازکننده نمی‌شود.

فروشنده‌گان و خدمت‌رسانان غیرپیشه‌ور؛ آیا ممکن نیست فروشنده یا خدمت‌رسان، مصرف‌کننده باشد؟ شاید در نگاه اول، این سؤال، عجیب به نظر آید. چون مصرف‌کننده کسی است که می‌خرد نه کسی که می‌فروشد. با وجود این، اگر فروشنده یا خدمت‌رسان، پیشه‌ور نباشد، این سؤال مطرح می‌شود.

اگر هر دو طرف توافق، غیرپیشه‌ور باشند از محدوده‌ی حقوق مصرف، خارج است. مثلاً شخصی اتومبیل‌اش را به دیگری می‌فروشد یا خانه‌ای را به دیگری اجاره می‌دهد. اصولاً حقوق مصرف در روابط میان غیرپیشه‌وران اعمال نمی‌شود؛ چون خطر نابرابری وجود ندارد. در عمل، برخی قواعد حمایت‌گر بر این روابط اعمال می‌شود. اما این قواعد، از خریدار یا مستأجر حمایت می‌کند نه از فروشنده یا خدمت‌رسان.

مسأله توسعه‌ی مفهوم مصرف، در موردی [مطرح و] ایجاد می‌شود که غیرپیشه‌ور، به پیشه‌ور، مالی را می‌فروشد یا خدمتی می‌رساند. این مورد، کمتر پیش می‌آید اما وجود دارد. به عنوان مثال، شخصی اتومبیل‌اش را به تعمیرکار یا خانه‌اش را به فروشنده‌ای می‌فروشد. در این موارد، خطر نابرابری وجود دارد اما برعکس آن نابرابری است که حقوق مصرف می‌خواهد از بین ببرد. چون در این‌جا فروشنده یا خدمت‌رسان در موضع ضعف قرار دارد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا نباید این فروشنده یا خدمت‌رسان را مصرف‌کننده محسوب کرد؟ از لحاظ واژگان، دشوار به نظر می‌رسد. اما بهتر است حقوق مصرف، از این اشخاص هم حمایت کند؛ هرچند که مصرف‌کننده شناخته نمی‌شوند.

آیا ممکن است شخص حقوقی، مصرف‌کننده به‌شمار رود؟ در نگرش مضیق، فقط اشخاص حقیقی ممکن است مصرف‌کننده شناخته شوند. اما می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا بهتر نیست برخی اشخاص حقوقی هم مصرف‌کننده محسوب شوند تا قواعد حمایت‌گر حقوق مصرف، شامل آن‌ها هم بشود؟

حقوق اتحادیه‌ی اروپا چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. دستورالعمل‌های متعدد این اتحادیه حمایت از مصرف‌کننده، در تعریف از مصرف‌کننده، تصریح دارد که او شخص حقیقی است. این موضوع درباره‌ی دستورالعمل راجع به شروط تحمیلی در قراردادها در دیوان دادگستری جوامع اروپایی مطرح شد. دیوان در سال ۲۰۰۱ پاسخ داد که مفهوم مصرف‌کننده، آن‌طور که در این دستورالعمل آمده است باید طوری تفسیر شود که فقط شامل اشخاص حقیقی باشد. جای تردید نبود که پاسخ چیست. از دستورالعمل‌های دیگر نیز همین برمی‌آید.

حقوق فرانسه به این صراحت نیست. از چند قانون حمایت‌گر مصرف‌کننده، فقط دو قانون، آشکارا حمایت را منحصر به شخص حقیقی دانسته است: یکی قانون عرضه‌ی

خانگی کالا (ماده‌ی ۲۱ - ۱۳۱ قانون مصرف) و دیگری قانون راجع به بدهی سنگین (ماده‌ی ۱ - ۳۳۰ قانون مصرف). به غیر از این دو مورد، در مقررات فرانسه، روشن نیست که آیا حمایت، شامل شخص حقوقی هم هست یا نه.

به نظر می‌رسید که دادگاه تجدیدنظر پاریس با توسعه‌ی مفهوم حقوق مصرف موافق بود اما دیوان عالی کشور در سال ۲۰۰۵ درباره‌ی شروط تحمیلی، طبق تفسیر دیوان دادگستری اروپا رأی داد و آن این بود که فقط شخص حقیقی می‌تواند مصرف‌کننده باشد (رأی شعبه‌ی اول مدنی، ۱۵ مارس ۲۰۰۵). با وجود این، دیوان کشور در همین رأی ذکر می‌کند که ممکن است شخص حقوقی، غیرپیشه‌ور باشد. به این ترتیب، میان این دو مفهوم، تفکیک شگفت‌آوری صورت گرفت. این در حالی است که مفهوم غیرپیشه‌ور و مصرف‌کننده، در کنار هم در ماده‌ی ۱ - ۱۳۲ قانون مصرف، ذکر شده و مترادف یکدیگر محسوب می‌شدند. گرایش قضات فرانسوی این است که بدون توجه به واژه‌ها، برخی اشخاص حقوقی را مصرف‌کننده به شمار آورند.

می‌توان تردید داشت که رأی سال ۲۰۰۵ در حقوق مصرف، فراگیر باشد. عبارت «غیرپیشه‌ور»، فقط در زمینه‌ی شروط تحمیلی به کار رفته است. قانون‌گذار در بخش‌هایی مانند اعتبار، اشخاصی را که نیازهای حرفه‌ای خود را تأمین می‌کنند از شمول حمایت، خارج کرده است. بی‌تردید دیوان عالی کشور می‌تواند آن دسته از اشخاص حقوقی را که هدفشان تأمین نیازهای حرفه‌ای نیست، از حمایت برخوردار کند. اما وقتی که قانون، به صراحت و به طور مستقیم، فقط مصرف‌کنندگان را مشمول حمایت می‌داند، مانند تضمین تطابق کالا و خدمات؛ با توافق، نمی‌شود روشی را که درباره‌ی شروط تحمیلی پذیرفته شد، اعمال کرد.

مسأله اصلی این است که اگر بپذیریم برخی اشخاص حقوقی، مورد حمایت حقوق مصرف قرار بگیرند، معیار انتخاب چه خواهد بود؟ بی‌تردید می‌توان گفت که برخی اشخاص حقوقی مانند اتحادیه‌هایی که هدفشان کسب سود نیست، هیچ فعالیت پیشه‌ورانه ندارند. اما به نظر می‌رسد که دیوان عالی کشور، از این هم فراتر می‌رود. چون طبق رأی دیگری در سال ۲۰۰۵، شخص حقوقی در اعمالی که با فعالیت حرفه‌ای اش ارتباط مستقیم

ندارد، می‌تواند از حمایت حقوق مصرف‌برخوردار شود (رای شعبه‌ی اول مدنی، ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۵). این روش، موجب انحراف غیرقابل قبول می‌شود. چون ممکن است باعث حمایت از شرکت‌های بزرگی شود که هیچ نیازی به حمایت ندارند. البته قضات فرانسه تا این حد پیش نمی‌روند. چون بررسی رویه‌ی قضایی نشان می‌دهد که برخوردار کردن اشخاص حقوقی از حمایت حقوق مصرف، بسیار استثنا بوده است. اما وقتی که موضوع ارتباط مستقیم، نتیجه‌ای ندارد، استناد به آن، چه فایده‌ای دارد؟

به نظر ما، تنها روش روشن این است که اشخاص حقوقی، از حمایت حقوق مصرف، برخوردار نشوند.

در چاپ‌های پیشین این کتاب، ما پذیرفته بودیم که برخی اشخاص حقوقی می‌توانند از این حمایت برخوردار شوند. نظر ما عوض شد. پذیرش این که برخی اشخاص حقوقی، چون در وضعیت [خاص مثلاً ضعف] قرار دارند بتوانند از حمایت برخوردار شوند، گزینه‌های دشواری ایجاد خواهد کرد که همواره پایان نامعلومی خواهد داشت. طرف‌های توافق، به امنیت حقوقی نیاز دارند. بنابراین، حمایت حقوق مصرف باید منحصر به اشخاص حقیقی باشد که هدفی غیرپیشه‌وری دارند. حقوق اتحادیه‌ی اروپا، این را درک کرده است. جای تأسف خواهد بود که حقوق فرانسه، از همین رویه پیروی نکند.